

عنوان مقاله:

تحلیل شناختی استعاره در نهج البلاغه (بر پایه نظریه ترنر و فوکونیه)

محل انتشار:

دوفصلنامه پژوهشنامه علوی، دوره 10، شماره 19 (سال: 1398)

تعداد صفحات اصل مقاله: 25

نویسنده:

سیده فاطمه سلیمی - استادیار زبان و ادبیات عربی، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، دانشکده علوم قرآنی، آمل، ایران

خلاصه مقاله:

نظریه «آمیختگی مفهومی»، انگاره‌ای چندفضایی است که از برجسته‌ترین نظریات ژیل فوکونیه و مارک ترنر به شمار می‌آید. این نظریه در فهم پیچیدگیهای ذهن بشری با گذر از الگوی دو دامنه‌ای، فضایی چهاردامنه‌ای فراهم آورده که متشکل از دو فضای درون‌داد، فضایی عام و فضایی آمیخته برای ساخت معانی نوظهور است، نوشتار حاضر با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی در حوزه شناختی، نظریه آمیختگی مفهومی را در تحلیل استعاره مفهومی نهج البلاغه مورد پردازش قرار می‌دهد و کارکرد این فضای تخیلی را در زایش معانی نوین تبیین می‌نماید. مهم‌ترین رهیافت‌های این جستار آنکه این مدل شناختی در بسیاری از مفاهیم دینی و اخلاقی استعاره بنیاد نهج البلاغه همچون تقوا، فسق و فجور، مرگ، کوتاه‌بینی و بلندنظری انسان و.. قابل بازسازی بوده و به تبلور تعبیر جدید متن می‌پردازد؛ افزون بر آن، سازه شناختی موجود در نهج البلاغه، تعبیر اصیل و منطقی سیاق‌مند به حساب می‌آیند و حکایت از سبکی بی‌بدیل و هدفمند دارند.

کلمات کلیدی:

معناشناسی شناختی، آمیختگی مفهومی، استعاره شناختی، تحلیل معنایی، گفتمان نهج البلاغه

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1128716>

